

قدرت مردمی در سرزمین مقدس: چگونه نزع غیرخشونت‌آمیز مردمی می‌تواند جایگزین درگیری اسرائیل و فلسطینیان شود؟

نویسنده: مریا جی استفان*

مترجم: محمد شریعتی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۰

۱۵۷

چکیده

درگیری اسرائیل و فلسطین یک تراژدی انسانی می‌باشد که برای بیش از ۵۰ سال توافق سیاسی را به چالش کشیده است. مذاکرات رسمی نه به اشغالگری اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی پایان داد و نه زمینه‌ای برای تکوین یک دولت مقبول فلسطینی ایجاد کرد، که هردو اینها پیش‌شرطی لازم برای صلحی استوار است. استدلال ما در این مقاله مبتنی است بر اینکه رهبری غیرنظامی، راهبرد غیرخشونت‌آمیز یا قدرت مردمی برای جایگزین کردن درگیری ضروری است. این تکنیک و راهبرد مجموعه‌ای از فعالیت‌های غیرخشونت‌آمیز مستقیم و ارتباط آنها را با پایان دادن به موفقیت اشغال تجزیه و تحلیل می‌کند. تئوری نزع و اصول فعالیت‌های غیرخشونت با تجزیه و تحلیل نمونه مطالعاتی انتفاضه ۱۹۷۸ که به کار گرفته می‌شوند، با اکثر قیام‌های مردمی بدون خشونت مجبور کرده که مسئله دولت فلسطینی در صف اول قرار گیرد. نتیجه اصلی این است که سطح مذاکرات رسمی ناکافیست: یکی راهبرد استمرار بخشیدن، درگیر کردن همه احزاب در فعالیت‌های مستقیم بدون خشونت، با اخلاقی رضایت‌بخش و حمایت مادی از جامعه بین‌المللی، که اینها می‌تواند به شکستن خشونت دوره‌ای و به هموار کردن تنها راه برای صلح کمک کنند.

واژگان کلیدی: سرزمین مقدس، مالیات بدون اعتراض، شهادت، مقاومت غیرخشونت‌آمیز(مدنی)، انتفاضه، آموزش مبارزه

* متخصص برنامه‌ریزی راهبردی و استاد دانشگاه جرج واشنگتن

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال شانزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۷۹-۱۵۷.

از سال ۱۹۴۸ هدف اصلی سازمان ملل و جامعه بین‌المللی، ایجاد دو دولت مستقل اسرائیل و فلسطین بود که بتوانند درون مرزهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، به صورت صلح‌آمیز با هم زندگی کنند. برای بیش از ۵۰ سال کشمکش اسرائیل و فلسطین ایجاد حفره در دولت به رسمیت شناخته شده بین‌المللی در برابر جنبش ملی‌گرایانه را به چالش کشیده است؛ راه حلی که تنها به طور عجبی به خون‌ریزی منجر شده است. از زمان نوشتن این مقاله و از شروع دومین انتفاضه الاقصی در سپتامبر ۲۰۰۰، سازمان حقوق انسانی اسرائیل (بیتیسلم) گزارش داد که بیش از ۱/۸۰۰ فلسطینی و ۴۵۰ اسرائیلی کشته شدند. (Btselem Report, 2003) یک دور وحشیانه از نتایج خشونت در تجاوز گسترده به حقوق انسان‌ها و قانون بشردوستانه به صورت عرصه کشتار فلسطین و اسرائیل درآمد، که فقدان رهبران دوراندیش و فرهنگ ترس و بی‌اعتمادی نزاع را تشدید و غیرقابل کنترل کرد. هیچ کمبودی در سطح بالای تلاش‌های دیپلماتیک برای حل نزاع وجود نداشت. شکست طرح تقسیم سازمان ملل در سال 1947؛ راه‌حل‌های بی‌شمار سازمان ملل که به دنبال عقب‌نشینی سربازان اسرائیلی از سرزمین‌هایی بود که در جنگ ۱۹۶۷ به طور غیرقانونی اشغال کرده بودند (کرانه غربی، غزه و شرق بیت‌المقدس)؛ و تعدادی از طرح‌های صلح که به طور رسمی و غیررسمی مذاکره شد، هیچ دستاوردی برای غلبه کردن بر نزاع نداشت. آخرین تلاش دیپلماتیک برای غلبه بر بن‌بست این است که مذاکرات توسط گروه چهارجانبه بین‌المللی که متشکل از ایالات متحده، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و روسیه است، با مشورت کشورهای عربی منطقه رهبری شود. نقشه راه برای دستیابی دوست فلسطینی در سال ۲۰۰۵ توسط گروه چهارجانبه ارایه شد.

در حالی که نقشه راه یک نماد مثبت از تعهد جامعه بین‌المللی برای حل کشمکش نزاع است، این دلیل کوچکی است برای بیان اینکه در سیر زمانی آینده پیشنهادهایی امیدوارکننده برای توافقی صلح‌آمیز ارایه شود که ناشی از تلاش‌های گذشته رده‌های بالای رسمی حکومت‌هاست. دقیقاً همان‌طور که راه حل نظامی نمی‌تواند به طور اساسی از بعد سیاسی یک دولت فلسطینی مقبول را ایجاد کند، توافق سیاسی هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ به شرط اینکه تنها سیاستمداران و دیپلمات‌ها پارامترهایی را برای صلح دیکته کنند. عدم ارتباط اساسی بین مذاکرات در سطح رسمی، پشت درهای بسته و

واقعیت‌هایی که در خیابان‌ها انجام خواهد شد، سرنوشت نقشه راه را به شکست منتهی کرد. در وضعیت چندبعدی، نزاع‌های طولانی اجتماعی مثل این یکی، که رویکردهای سنتی به طور پیوسته برای اقامه کردن صلح به شکست انجامید، یک جایگزین برای بن‌بست رهبری (هدایت کردن) توسط شهروندان مبتنی بر ابتکار عمل ضروری است. (Rupesinghe, 1996; 153) از این گذشته، نزاع با قدرت نامتقارن قابل ملاحظه‌ای ترسیم می‌شود که ریشه‌های نزاع ساختاری است و مبتنی بر وضع اشغال می‌باشد؛ مذاکرات و تکنیک‌های حل مسئله که به تنهایی ناقص است. (Galtung, 1990; Burton, 1990) در این قبیل نمونه‌ها، جریانی از فعالیت‌هایی که بین صحبت کردن و گسستن است، ما را به اشتباه می‌اندازد و این برای نشان دادن منشأ نزاع ضروری است.

این امکان برای تجزیه و تحلیل کامل یا تاریخ دیپلماتیک از نزاع بین اسرائیل و فلسطین فراهم نمی‌شود. در عوض، بر فعالیت‌های مستقیم غیرخشونت‌ی و مجموعه‌ای از تکنیک‌هایی متمرکز می‌شود که به افراد عادی اجازه می‌دهد قدرتشان را به‌طور قابل ملاحظه‌ای در نزاع گسترش دهند، بدون اینکه از خشونت فیزیکی استفاده کنند. (Sharp, 1973) روش‌های غیرخشونت‌ی با روش‌های غیرخشونت‌ی به‌عنوان مذهب یا اعتقادات اخلاقی درهم نمی‌آمیزد، اما در این مقاله بحث می‌شود که روش‌های غیرخشونت‌ی به‌عنوان شکلی از مبارزه است. مقاومت‌های غیرخشونت‌ی مردمی در برابر اشغال‌گری اسرائیل در کرانه غربی و نوار غزه یک نقطه عطفی در اولین انتفاضه فلسطینیان از سال ۱۹۹۳-۱۹۸۷ است، که مرکب از هم شکست و هم موفقیت می‌باشد.

این مقاله را با بحث از نظریه و تاریخ بنیادی مبارزه غیرخشونت‌ی شروع می‌کنیم و شناخت مهمی از سازوکارهای قدرت مردمی را ارائه می‌دهیم. راهبردهای نظامی کلاسیک مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا درس مفیدی برای برنامه‌های مبارزاتی مقاومت غیرخشونت‌ی فراهم شود. در ادامه، کاربست فعالیت‌های مستقیم غیرخشونت‌ی در انتفاضه اول فلسطینیان را توضیح می‌دهیم و نتیجه این فعالیت‌ها را تحلیل می‌کنیم. در پایان، استدلال خواهیم کرد که درگیری‌های تروریستی تضعیف می‌شود، تاجایی که به جنبش خودمختاری (حق تعیین سرنوشت) کمک می‌کند. به‌کارگیری خشونت علیه ارتش از نظر اقتصادی برای رقیب بهتر است؛ چراکه فلسطینیان را از هدف داشتن دولت خودمختار دور می‌کند. در بخش پایانی این مقاله پیشنهادهایی سیاسی برای

حکومت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد، و اسرائیلی‌ها و فلسطینیان و فعالیت‌های بین‌المللی که تاکنون در مبارزه غیرخشونت‌ی به‌کار گرفته شده است، ارایه می‌شود.

قدرت مردمی: مختصری از رؤس کلی

مقاومت غیرخشونت‌ی به‌عنوان جنگ بدون خشونت که توسط مهاتما گاندی ارائه شد، یک راهبرد برای تغییر نگرش‌ها و نهادهای جامعه است. (Sharp, 1979, 4) این راهبرد نه ضعیف، نه منفعل و نه جدید است. در بیشتر دهه‌های قرن گذشته در پنج قاره، جنبش‌های مردمی روش‌های غیرخشونت‌ی را به‌کار گرفتند و به‌طور موفقیت‌آمیز رژیم‌هایی ظالمانه را سرکوب کردند و مانع کودتاها و نظامی شدن و از حقوق انسانی دفاع کردند. (Ackerman and Duvall, 2009) (Wehr and Burgss, 1994) گاندی جنبش استقلال هند علیه تسلط استعمار بریتانیا را رهبری کرد. در ۱۹۸۶ جنبش قدرت مردمی در فلیپین رژیم فاسد مارکوس را سرنگون کرد، در سال ۱۹۸۹ انقلاب‌هایی که جایگزین حکومت‌های کمونیستی در مرکز و شرق اروپا شد و جنبش هند، آپارتاید در آفریقای جنوبی، و جنبشی دانشجویی که اخیراً برای سرنگونی اسلوبودان میلوسویچ (Milosevic Slobodan) در صربستان، تعداد کمی از این مثال‌هاست. در هر کدام از این نمونه‌ها مردم عادی به سلاح‌های غیرخشونت‌ی دست بردند (شامل اعتصاب تحریم و اعتراض) که موضوع را در دستان ما حفظ می‌کند و بیرون از کانال‌های رسمی سیاسی به‌کار گرفته و موجب می‌شود به‌طور شگفت‌انگیزی جامعه دگرگون شود.

جین شارپ یکی از پیش‌گامان در حوزه نوشتن فعالیت‌های غیرخشونت‌ی است که به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر روی نظریه و کاربری عملی اقدامات مستقیم غیرخشونت‌ی کار کرده است. شارپ در تحقیقاتش نشان می‌دهد که نه فرهنگ، مذهب جغرافیا و نه ثروت مانع علاقه و اشتیاق مردم در اسقبال از این نوع مبارزه نمی‌باشد. (Sharp, 1973, 63) تحلیل موردی مطالعاتی نشان می‌دهد که راهبرد، یک عامل تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست هم مبارزات خشونت‌ی و هم غیرخشونت‌ی هست. (Ackerman and Kruegler, 1994, 318) اهمیت این مبارزات (غیرخشونت‌ی) هنگامی درک می‌شود که نظریه‌پردازان راهبردی نظامی شناخته شده همانند استراتژیست‌های سان تزو (Sun tzu)،

لیدل هارت (Liddell Hart) و میشل هاوات (Michael Howard) می‌توانند برای تقویت و بهبود راهبردهای (نظامی) از مبارزه غیرخشونت‌ی بهره بگیرند. به‌طور قابل توجهی این استراتژیست‌ها بر اهمیت هدف قرار دادن مرکز ثقل مخالفان تأکید می‌کنند و از تکنیک‌های روان‌شناسی برای تضعیف کردن سیاست‌هایی که از سیستم نگه‌داری می‌کنند از فشار به عنوان قسمتی از راهبرد کلی دفاع دسته‌جمعی بهره می‌گیرند. (Burrowes, 1996) این بینش‌ها می‌توانند برای تقویت تئوری اقدامات مستقیم غیرخشونت‌ی شارپ استفاده شود؛ در حالی که به یک راهبرد غیرخشونت‌ی تازه‌نفس برای برچیدن نهادهای اشغال‌گری اسرائیل و ساختن دولت قابل پذیرش فلسطینی را شکل می‌دهد.

اقدامات مستقیم غیرخشونت‌ی متکی به مجموعه‌ای از روش‌های فلسطینی از اعتراضات نمادین نافرمانی مدنی برای مداخله صریح است (اعتصاب، تحریم یا ایجاد نهادهای موازی) به این معنی که روابط قدرت بین گروه‌های مختلف را تغییر دهند. شارپ به تعریف و طبقه‌بندی بیش از ۲۰۰ روش مبارزات غیرخشونت‌ی می‌پردازد که آنها چگونه تغییرات موثر یا پایداری را ایجاد می‌کنند. (Sharp, 1973) نظریه اقدامات مستقیم غیرخشونت‌ی زمینه نظریه قدرت است؛ به عبارت دیگر همه حکومت‌ها، نه حکومت‌های استبدادی، که بر رضایت و فرمان‌برداری از حکومت مبتنی هستند، به‌طور موقت امتناع یا مضایقه از منابع تعیین‌کننده (مادی، انسانی و یا ایدئولوژی) برای مقامات حکومتی، مردم عادی، اشغال‌گری را غیرقابل دوام و حکومت دیکتاتوری را غیرممکن می‌کند. (Sharp, 1985, 151) یکی از تحلیل‌های بهره‌گرفتن از اقدامات مستقیم غیرخشونت‌ی در انتفاضه اول است که شماری از نظریات مهم و درس‌های عملی را برای فعالیت‌های غیرخشونت‌ی نشان می‌دهد که در جریان انتفاضه و دیگر نزاع‌ها با قدرت نامتقارن بزرگ مشخص می‌شود.

تحلیل مقاومت غیرخشونت‌ی در جریان انتفاضه

انتفاضه اول

اهداف اصلی انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷ و در کرانه غربی و نوار غزه را می‌توان چنین خلاصه کرد: قطع کردن رابطه (به ویژه از لحاظ اقتصادی) با اسرائیل و خلق نهادهای محلی تا برای خدمات عمومی جایگزینی فراهم شود؛ به کارگرفتن نافرمانی مدنی به‌وسیله نافرمانی قانونی و

ترویج دادن مقررات به‌وسیله مقامات کشوری و لشکری اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی؛ اجرا کردن فعالیت‌هایی برای ارتقاء دادن همبستگی فلسطینیان. (Mishal and Aharon, 1994,) 38) در نزاع‌های نامتقارن همانند انتفاضه اول، مقاومت مردمی غیرخشونت‌آمیز می‌تواند به‌عنوان جریان معکوس قدرت نامتقارن استفاده شود. افکار عمومی بعد از آنکه با قدرت بیشتری از زور و خشونت برای گروه‌های مقاومت غیرمسلح استفاده می‌کنند، علیه قدرت برتر موضع می‌گیرد؛ که شارپ آن را سیاست اقدام غیرخشونت‌آمیز می‌نامد که مفهومی کلیدی از مقاومت غیرخشونت‌آمیز است و به موجب آن قدرت رقیب به خودش برگردانده می‌شود و موجب ضعف و مایه دردسرساز می‌شود. (Sharp, 1985) وقتی که در اولین مراحل انتفاضه نخست فلسطینیان غیرمسلح با قدرت سنگین سربازان اسرائیلی مواجه می‌شوند، اختلاف گسترده قدرت را بین صاحبان و اشغالگران آشکار می‌سازد و اشغال نظامی را بی‌معنی و مضحک نشان می‌دهد.

اثرگذاری بسیج توده مردم

بیشترین گیرایی و عناصر مهم راهبردی در انتفاضه اول نقشی می‌باشد که به‌وسیله بسیج توده‌های مردم و کمیته‌های محلی در بسیج همگانی فلسطینیان برای ایستادگی در برابر اشغال‌گری بازی کردند. در اولین قدم، انتفاضه ۱۹۸۷ در سطح بالایی قیام را تمرکززدایی کرد. این متشکل از ابتکار محلی؛ رهبری توسط فعالان محلی است که براساس توصیه‌ها عمل می‌کنند و به گروه‌های سکولار و اسلامی داده می‌شد که رهبری مقاومت را برعهده دارند. به‌طور بی‌سابقه‌ای کمیته‌های زنان، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های دانشجویی و رسانه‌ها، آموزش و پرورش و کمیته‌های کار کشاورزی شکوفا شدند که به مقاومت در سرزمین‌های اشغالی نیرو می‌دهد. مبارزه غیرخشونت‌آمیز یا مقاومت مردمی فلسطینیان براساس سه مقوله به جریان افتاد: قطع رابطه با اسرائیل، عمل به نافرمانی مدنی، و طرح فعالیت برای ارتقای یک‌پارچگی گروه‌ها. هدف‌های قطع رابطه با اسرائیل شامل: کار نکردن در اسرائیل، تحریم محصولات اسرائیلی، خارج کردن سپرده‌ها از بانک‌های اسرائیلی، کناره‌گیری (استعفا دادن) از اداره کشوری (Civilian Administration)، توسعه دادن اقتصاد داخلی، تأسیس مجموعه‌ای برای آموزش عمومی.

عمل کردن به نافرمانی مدنی شامل: استنکاف از پرداخت مالیات، ضربه زدن مبنی بر تجارت، و ضربه زدن به اموال عمومی در روزهای خاصی.

طرح کردن فعالیت و اقدامات برای ارتقای همبستگی گروه‌ها شامل: اعتصاب یک‌روزه برای همبستگی با زندانیان فلسطینی و با خانواده‌های قربانیان، هماهنگی با وکلا برای دفاع از محبوسین، اعتصاب نشسته به‌وسیله دانشجویان و نشستن والدین مقابل هیئت‌های نمایندگی خارجی و تعطیلی مدارس، کمک کردن داوطلبانه به کشاورزان برای برداشت محصول زیتون؛ دستگیری از خانواده‌های نیازمند؛ نوشتن شعار بر روی دیوارها و برافراشتن پرچم‌ها. (Mishal and Aharoni:1994, 38-40)

یکی از بهترین مثال‌ها از اثرگذاری بسیج توده‌ای در سرزمین‌های اشغالی ترمرد مالیاتی در سال ۱۹۸۹ در بیت سحور (Beit Sahour) بود، روستایی با جمعیتی در حدود ۱۲/۰۰۰ نفر که نزدیک بیت‌الحم در کرانه غربی واقع است. (Dajani:1995,64-65) تقریباً برای شش هفته در اکتبر- نوامبر ۱۹۸۹ روستاییان ترمرد مالیاتی کاملی را علیه اشغال‌گران به جریان انداختند. آنها از شعار «ندادن مالیات بدون اعتراض» استفاده کردند تا انگیزه و محرکی برای مبارزات باشد. در واکنش به آن، ارتش اسرائیل روستا را محاصره کرد. روستاییان بر اقدامات اعتراضی خودشان تا پایان اکتبر ۱۹۸۹ ایستادند تا زمانی که رسانه‌ها به افشاگری پرداختند و اعتراضات شدید بین‌المللی اسرائیل مجبور به ترک محاصره شد.

طراحی برنامه‌های مبارزاتی، مقررات غیرخوشونتی، و بهره‌گیری از همکاری رسانه‌ها در موفقیت این مبارزات موثر است. متأسفانه، تعداد کمی از مبارزات فلسطینیان به‌عنوان فشار مستقیم رهبری می‌شود. بیت سحور یکی از شهرهای نسبتاً ثروتمند فلسطینی است که نزدیک اسرائیل قرار گرفته که دست رسمی خوبی به گروه‌های صلح اسرائیلی و رسانه‌ها داد. با وجود این اغلب شهرها و روستاهای فلسطینی، از رفاه چندانی برخوردار نیستند و نمی‌توانند مبارزات (اقدامات) چالش‌برانگیز اقتصادی را تحمل کنند.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ بخش زیادی از مردم فلسطین به آستانه فداکاریشان رسیدند و دست آخر هزاران نفر خواستار مبارزات مقاومتی مدنی شدند. همه شهرها و روستاها شروع به فرمان‌برداری از UNC و حماس کردند که به‌دنبال اعتصابات و تحریم‌ها آمد؛ هنگامی که برای فلسطینیان روشن

شد که کالاهای اسرائیلی بیش از حد گران است در دوران این استراتژی، رهبران انتفاضه، گسترش دادن مبارزات مردمی را بدون منابع کافی که بتوانند این گسترش را تحمل کنند. همچنین کمک‌های بین‌المللی به سرزمین‌های فلسطینی، که ممکن است نتایج منفی، اعتصابات و تحریم‌ها و تسلیم شدن توده‌ها را کاهش دهد، خیلی مانده تا به کمک‌های بیش از سه میلیون دلار که به‌طور مستقیم و کمک‌های غیرمستقیم که سالانه به حکومت اسرائیل توسط ایالات متحده داده می‌شود. علاوه بر این، اسرائیل بیشتر از سه میلیون دلار، از طریق کمک‌های بشردوستانه، ضمانت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت تجاری، و مبادرت کردن به اوراق قرضه اسرائیل دریافت می‌کند. (Congressional Research Service Report 2002)

هزینه اقدامات غیرخشونت‌ی

به‌لحاظ تکنیکی، اولین انتفاضه در شدت گرفتن سطح رویارویی مستقیم بین مردم فلسطین و مقامات لشکری و کشوری اسرائیل موثر بود، اما به‌طور کامل نتوانست شدت وحدت مقاومت را حفظ کند. بسیج عمومی و مقاومت دسته‌جمعی به آسانی هزینه زیادی برای مردم فلسطین داشت که استقلال اقتصادی اسرائیل نشان داد که نمی‌توان بر آن غلبه کرد. جذابیت آشوب‌های عمومی به‌طور روزانه بر پیامدهای متوقف نمودن توده‌های مردمی کشته‌ها و تبعیدها مبتنی است هر چند که جریان عادی زندگی روزمره فلسطینیان نگران‌کننده است. تعطیل کردن مدارس، حکومت نظامی و دشواری‌های بزرگ اقتصادی، مقاومت را در تقاضاهای مردمی با سه سال قیام رها می‌سازد. با وجود این، به‌رغم سقوط رهبری مبارزات مقاومتی غیرنظامی در اوایل دهه ۱۹۹۰ و حرکت احتمالی ماریچی خشونت، مبارزات شمار بی‌ظیری از موفقیت را برای جنبش ملی‌گرا فلسطینی ضبط کرده‌است.

دگرگونی بسیج مردمی فلسطین

اغلب موفقیت‌های چشمگیر انتفاضه اول به این خاطر است که فلسطینیان با هم به همکاری پرداختند، به‌عنوان مبارزه کردن برای آزادسازی خودشان برای اولین بار در تاریخ خودشان. انتفاضه به

فلسطینیان یاد داد که منبع عظیم نیرویشان با قدرت مردم خودشان در پیوند است که به آنها توانایی می‌دهد تا در مقاومت در مقیاس توده مردمی به سازمان‌دهی و مشارکت بپردازند. (Dajan, 1995) قیام فلسطینیان همه بخش‌های مردمی فلسطین را بسیج کرد: زنان، اتحادیه‌های تجاری، بازرگانان، کارگران یقه‌سفید و دانشجویان، تا برای آزادسازی خودشان بجنگند و از راه‌های خشونت چریکی هرگز بهره نگرفتند. فعالیت سازمان‌های مردمی و کمیته‌های محلی نهادهای جایگزینی شدند که در سطح بالا موفقیت و سازنده شکل‌های از مقاومت شد. فداکاری عمومی و مقاومت احساس عمیقی از همبستگی را میان فلسطینیان ایجاد می‌کند. ویژگی‌های فراگیر غیرنظامی قیام و مشارکت مردم در همه بخش‌ها و در همه سطوح، در راستای انتخاب سنجیده، اصولاً معنای غیرخشونت‌مبارزه، احساسی از وجد و شادی را در میان فلسطینیان عرضه می‌کند. این امر در دستان ماست و مخالفت با دشمن بسیار قدرتمند را افزایش می‌دهد. (Dajani: 1995, 65)

اولین انتفاضه تأثیر عمیقی بر مردم اسرائیل و برداشتشان از کارایی بودن اشغال داشت. از این مهم‌تر تصور فلسطینیان از خشونت اسرائیل، تروریست‌های عربی در خراب کردن اسرائیل تغییر داد با مردمی که به اهداف مشروع همانند اهداف صهیونیست در ایجاد وطن یهودی بودند. گزارش‌های گسترده از شکنجه زندانیان فلسطینی، فشارهای زیاد، خرد کردن استخوان، گازهای اشک‌آور کشنده، تدفین زنده جوانان فلسطینی، نفرت و انزجار را به بار می‌آورد. (Elon, 1988, 12) رشد کردن جنبش‌های صلح اسرائیلی بر این تأکید دارد که اشغال‌گری غیراخلاقی، مخالفت اصول است و امنیت اسرائیل را به مخاطره می‌اندازد. شلمو اوانتری (Shlomo Avineri) پروفسور دانشگاه عبری، زمانی گفت: «یک ارتش می‌تواند یک ارتش را شکست بدهد، اما یک ارتش نمی‌تواند مردم را شکست بدهد.» (Elon, 1988, 12)

تغییرات جدی وضعیت اشغال‌گری اسرائیل

دیگر موفقیت انتفاضه اول این بود که به‌طور جدی امکان تداوم اشغال‌گری اسرائیل را به‌چالش کشید و عقاید جامعه اسرائیلی که زمان طولانی بر آن بودند را بر باد داد. برای مثال، شیون و فریاد زنان فلسطینی کمپ دهشه (Dheisheh) نزدیک بیت‌لحم (Bethlehem)، (مکانی که فراوان

باعث درگیری میان مهاجران فلسطینی و سربازان اسرائیلی و شهرکنشینان شده است) باعث شد سربازان اسرائیل در سال ۱۹۸۸ به مدت سه شب خیمه‌هایشان را نزدیک کمپ ترک کنند. اگرچه این عقب‌نشینی کم‌اهمیت به نظر می‌رسید، اما یک تظاهرات سازنده از قدرت اقدامات همگانی بود. فراوانی اعتراضات مردمی و همه اقدامات نافرمانی مدنی، نشان می‌دهد که مقامات اسرائیلی به مدت طولانی نمی‌توانند روی اطاعت و فرمانبرداری منفعلانه فلسطینیان برای حفظ کردن اشغال حساب کنند.

آشکار شدن ددمنشی اشغال‌گران در رسانه‌ها، جامعه اسرائیل را قطب‌بندی و به اعتبار بین‌المللی اسرائیل ضربه وارد می‌کند. حتی از لحاظ سنتی، متحد و انجمن‌های غیرمنتقد یهودیان آمریکایی شروع به جریان انداختن اعتراضات کردند و به بیان انزجار و درد و رنج از اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی پرداختند که به نام یهودیان سرتاسر دنیا به این کار دست زدند و یک بعد اخلاقی قدرتمند برای اولین بار در مبارزات اسرائیل و فلسطین دمیده شد. سه سال بعد از انتفاضه، رژیم اشغال‌گر اسرائیل ناگزیر از تجدیدنظر در روش‌هایش شد. انتقادگرایی از اشغال شامل: هزینه‌های بالای اقتصادی در نگهداری حضور نظامی هوشیارانه در اشغال کرانه غربی و غزه و دفاع از شهرکنشینان اسرائیلی در این سرزمین‌هاست، که روش غالب اسرائیل و جامعه بین‌المللی شده است.

نشانه غالب اعتصابات، کارآمد بودن رهبری غیرنظامی قیام بود که حمایت مردمی برای اشغال در جامعه اسرائیل را تضعیف کرد؛ نافرمانی مدنی سربازان اسرائیلی که از خدمت در سرزمین‌های اشغالی روی گرداندند. در اوایل ژانویه ۱۹۸۸، بیش از ۱۶۰ سرباز اسرائیلی از خدمت در کرانه غربی و غزه‌خوداری کردند: بعد از هفت ماه از شروع انتفاضه، این تعداد به بیش از ۶۰۰ نفر رسید. (Dajan, 1995, 78-81) هزاران نفر از جوانان اسرائیلی اسناد پزشکی را آشکار ساختند. آنها از لحاظ روان‌شناسی برای خدمت در ارتش نامناسبند که یک نشانه روشن از مخالفت با اشغال‌گری در سطح گسترده بود. در طول همین مدت اختلاف بین نخبگان سیاسی و نظامی در اسرائیل آشکار شد. با مقامات عالی‌رتبه نظامی که سخت عقیده داشتند راه حل نظامی برای جنگ بهتر نبود. مفهوم سرزمین در عوض صلح، در حقیقت، حمایت زیادی درون مقامات نظامی اسرائیلی داشت.

انتفاضه دوم: خشونت خودمختار

دومین قیام فلسطینیان در سپتامبر ۲۰۰۰ فوران کرد که اساساً یک قیام متفاوت است که در آن سطح بالایی از خشونت پیاده شد. خلیل شیکاکا، پروفیسور عضو علوم سیاسی در دانشگاه بیرزیت (Birze it) و مدیر مرکز سیاسی فلسطین و محقق نظرسنجی (ارزیابی) در رام‌الله، نشان می‌دهد که انتفاضه دوم توسط «گارد جوانی» هدایت شد که از فلسطینی دلسرد شده بودند. آنها ملتفت شده بودند که مذاکرات یاسر عرفات ضعیف و فاقد صلاحیت است (مخصوصاً در کمپ دیوید) و حمله قدرت اشغال توسط مردم غیرنظامی را تضعیف کرد. (Shikaki, 2002) هدف آنان (گارد جوان) این است که اسرائیل را مجبور کنند از کرانه غربی و نوار غزه به‌طور یک‌جانبه عقب‌نشینی کند و هم‌زمان با آن رهبران پیر فلسطینی را تضعیف کنند و احتمالاً خودشان جای آنها را بگیرند. (Shikaki, 2002, 89) شیکاکا نشان می‌دهد که اغلب اعضای «گارد جوان» هرگز از مذاکرات بین PA و اسرائیل حمایت نکردند و از انواع توافقاتی که عرفات ارائه داد، بدون هیچ نشانه‌ای که اسرائیل از یک طرف تعهدش در رها کردن شهرک‌ها و حمایت از دولت فلسطینی دنبال خواهد کرد، به وحشت افتادند. از این گذشته، شیکاکا نشان می‌دهد که آنها به این نتیجه رسید که مردم فلسطین می‌توانند تنها با رویارویی مسلحانه به اشغال سرزمین‌های خودشان پایان دهند. (Shikaki, 2002, 97)

در جولای ۲۰۰۰، کمتر از یک‌سوم فلسطینیان معتقد بودند که خشونت می‌تواند در دست‌یابی به اهدافشان کمک کند، اما راه‌های مذاکراتی نمی‌تواند. یک سال بعد، ۵۹ درصد به این نتیجه رسیدند که خشونت کارآمد است. نه ماه بعد از انتفاضه دوم ۷۱ درصد معتقد شدند که جنگ تا به حال موثر بوده است. (Shikaki, 2002) به‌رغم این نتایج، نظرسنجی بعد از دو سال جنگ کم‌شدت با افزایش چشمگیر در بمب‌های انتحاری و روابط گسترده اسرائیلی علیه اکثر غیرنظامیان فلسطینی را نشان می‌دهد. نتایج نظرسنجی جدید نشان از این است که مردم اسرائیلی و فلسطینی برای راهبرد جایگزینی که بناست خشونتی را بشکنند، مشتاق هستند. براساس نظرسنجی سال ۲۰۰۲، به سازمان‌های حل اختلاف بین‌المللی مأموریت داده شد که برای زمینه مشترک تحقیق کنند. ۸۰ درصد از فلسطینیان در سطح بالایی از جنبش غیرخشونتی مردمی علیه

اشغال‌گری اسرائیل و ۵۶ درصد از مشارکت در این فعالیت‌ها حمایت کردند. کمتر از نصف مردم فلسطین (۴۱ درصد)، معتقدند که انتفاضه الاقصی منافع عمومی را پیش برد. برعکس، ۷۸ درصد از یهودیان اسرائیلی معتقدند که فلسطینیان از حق دولتی مستقل برخوردارند؛ یعنی استفاده از روش غیرخشونت‌ی که دست‌یابی به دولت مستقل را فراهم می‌کند. این نظرسنجی نشان می‌دهد که اکثریت دوطرف از خشونت به‌شدت خسته و برای خروج از آن بی‌طاقت هستند.

پیشنهاد‌های سیاسی: حمایت از مقاومت غیرخشونت‌ی

احتمالاً به‌نظر می‌رسد در برابر (Reinvigoration) یک جنبش مقاومت مردمی در سرزمین‌های اشغالی رهبری می‌شود. در کرانه غربی و نوار غزه خرده سنگ‌هایی به‌عنوان واکنش به نظامی‌گری اسرائیل در انتفاضه دوم بود که بیش از یک دهه ساخت سازمان‌ها را خراب و نظارت و کنترل PA را ناقص کرد. (Roed-larsen, 2002) به علاوه، بتن‌ریزی «دیوار حایل» که در حال حاضر در فلسطین طرف خط سبز ساخته می‌شود، در واقع دودرصد دیگر کرانه غربی را به اسرائیل ضمیمه می‌کند. (Schlomka, 2002) گروه‌های اسلامی نظامی، همچنین در حال برپا کردن جنگ جدیدی هستند که به‌طور خشونت‌آمیزی مشارکت مردمی فلسطینیان را محدود می‌کند؛ باوجود اینکه متحدان سنتی را نادیده می‌گیرد، به‌خصوص اسرائیلی‌هایی که اولین بار در جنبش صلح فعال هستند.

به‌علاوه فقدان رهبران نیرومند جنبش ملی‌گرایی فلسطین و ناتوانی یاسر عرفات در کنترل گروه‌های نظامی اسلامی، پیوسته مانع از توسعه راهبرد یک‌پارچه فلسطینیان برای مقاومت کردن در برابر اشغال‌گری می‌شود. به‌رغم این واقعیت، شماری از تعدیل‌کنندگان تمایل دارند بگویند که رهبری کردن مقاومت غیرخشونت‌ی میان اسرائیل و فلسطین امکان ندارد، اما این تاکنون قاطعانه تثبیت شده و منافع زیادی داشته است؛ پیشنهادات سیاسی پایین (سرپرستی فعالیت‌های مردمی، کمک آژانی‌ها، و مقامات حکومت ایالات متحده، اروپا و کشورهای عربی) که قصد دارند اجزای سازنده راهبردها را بهبود بخشند و به پتانسیل فعالیت‌های مستقیم غیرخشونت‌ی امداد کنند. اهداف نهایی این راهبرد، تکمیل مذاکرات رسمی است تا جایگزین خشونت و تروریسم به‌عنوان اصل

عمده رهبری راهبرد غیرنظامی برای مقاومت در برابر اشغال باشد تا فلسطینیان در ساختن حق تعیین سرنوشت خویش مشارکت کنند.

اصل سیاسی اول: استقبال مطلق از مقاومت بدون خشونت

۱۶۹ | عدم خشونت به عنوان راهبرد غالب مقاومت فلسطینیان است و نمی‌شود به سادگی به عنوان مجموعه‌ای از ابزارهایی باشد که می‌توان به جای تکنیک‌های خشن استفاده کرد. اصول عدم خشونت، همانند اصول نظامی، چیزهای است که بهتر است یاد داده شود. اندونی (Andoni) می‌گوید: همه ویژگی‌های عدم خشونت، شورش و سطح بی‌سابقه سرکوبی اسرائیل بسیاری از اسرائیلی‌ها را تشویق می‌کند تا علیه اشغال به عنوان خواست اساسی در دسترسی به صلح کار کنند و قیام به جنبش‌های ضد اشغال‌گری اسرائیلی در مبارزاتشان علیه سیاست دولت کمک می‌کند. (Andoni, 2001, 217) اولین انتفاضه در سه جبهه شماری از تکنیک و سیاست موفق‌آمیز را به دست آورد: در میان مردم فلسطین، دستگاه سیاست اسرائیلی و بازیگران بین‌المللی. متأسفانه اختلاف بین رهبران فلسطینی مهم‌ترین بخش این موفقیت‌ها را در قیام اول با شکست مواجه کرد؛ اگرچه در اوایل دهه ۱۹۹۰ بسیاری از فلسطینیان معتقدند که قیام همگانی یک مشارکت کامل بود و فداکاریشان برای هیچ بود. (Dajani, 1995) از این گذشته، اختلاف زیاد میان رهبران اسلامی و سکولار فلسطینی هرگز دلیل روشنی به دست نمی‌دهد که آنها در کمیته‌هایی باشند که یک راهبرد مقاومت غیرخشونت‌ی، یا به شکلی از مبارزات مردمی به گونه‌ای متفاوت از راهبردهای خشن عمل کنند. (Muborak Awod). فلسطینیانی که از سرزمینشان در جریان انتفاضه اول برای تعلیم شیوه‌های مبارزه غیرخشن به جوانان تبعید شدند، قاطعانه استدلال می‌کنند که تضعیف خشونت یک نیروی اخلاقی برای مقاومت بدون خشونت است. (Awad, 1992) سه سال بعد از انتفاضه اول، شمار روش‌های خشونت‌ی بیشتر از روش‌های غیرخشن بود، که نشانه افول مبارزات مردمی بود. (Mishal and Aharoni, 1994) به طور فزاینده خشونت جنبش جوانان در برنامه‌ها و اجرای بیشتر جریان اصلی مبارزات مقاومتی نادیده گرفته شد. چیزهایی که شیوه بی‌نظمی و آشفتگی را تشویق می‌کند، انشعاب گروه‌های درون جنبش فلسطین است. بدون آشکار

شدن جزییات وسعت خشونت که در آینده انجام می‌شود، خشونت جوانان زمام امور جنبش را در دست گرفته که این دلیلی است بر اینکه جنبش فلسطین زمینه بالای اخلاق خود را از دست داده است. (66, 1995, Dajani) بر اساس اصطلاحات نظریه شارپ، خشونت فلسطینیان تأثیر «سیاست اقدام غیرخشونت‌آمیز» را سست می‌کند؛ که در التفات به فلسطینیان در سال‌های اولیه انتفاضه کارگر بود.

برای متقاعد کردن عموم اسرائیلی‌ها به اینکه مقاومتشان باعث تخریب اسرائیل نمی‌شود، انتقادات مردم فلسطین باید به‌طور قاطع و به کرات از بمب‌گذاری انتحاری/ عملیات شهادت‌طلبانه و اقدامات تروریستی به‌عنوان شیوه‌ای برای دستیابی به آزادسازی چشم‌پوشی کنند. مردان فلسطینی، زنان و بچه‌ها باید این پیام را به مردم اسرائیل اعلام کنند (و یهودیان آمریکا) که مقاومتشان و اقداماتی که رژیم اشغالگر اسرائیل رهبری می‌کند، سیاست‌های غیرعادلانه است و سعادت و رفاه مردم اسرائیل در آن نیست. با توجه به فراوانی حمله‌های تروریستی و محبوبیت تصویر شهادت در بمب‌های انتحاری این وظیفه سختی خواهد بود، اما اگر مبارزان فلسطینی بخواهند به درجه‌ای از موفقیت دست یابند، قطعاً ضروری است. انصراف عمومی از خشونت با گروه‌هایی از انجمن‌های فعالین فلسطینی که به‌وسیله رسانه‌های عربی و اسرائیلی منتشر می‌کنند، به‌طور احتمالی شبیه توان اخلاقی مأموریت صلح انور سادات در کنست اسرائیل در دهه ۱۹۷۰ خواهد بود.

اصل سیاسی دوم: اشاعه تصویر جدید از شهادت

برای ایجاد مقاومت بدون خشونت برای تغییر دادن سرزمین‌ها، و تصویر نوع جدیدی از شهادت برای عمومیت بخشیدن، به یک اشتیاق برای مرگ، نه قتل، برای آزاد ساختن مردم فلسطین از اشغال سرکوب‌کننده نیاز است. با این وجود دست یافتن به این تصویر جدید، نیازمند تداوم بخشیدن به فعالیت‌های روابط مردمی است که کمک عرب‌ها، منابع رسانه بین‌المللی و سازمان‌هایی که از روش‌های غیرخشونت‌آمیز برای دگرگونی نزاع حمایت می‌کنند، می‌باشد. رسانه‌ها برای بسیج جنگجویان غیرخشن در سرزمین‌های اشغالی حیاتی هستند. رسانه‌ها قادرند تصاویر و

گزارش‌هایی از مقاومت بدون خشونت در سرزمین‌ها پخش کنند که این به ابلاغ پیام به فلسطینیان کمک می‌کند و در واقع به مقاومت بدون خشونت بزرگی می‌بخشد و یک واکنش قدرتمند به اشغال ناعادلانه است. اقدامات وابسته به مردم باید با شرح موفقیت‌های فراوان از انتفاضه اول و دوم برجسته شود، در حالی که بر طبیعت قهرمانی مقاومت بدوم خشونت تأکید شود.

اصل سیاسی سوم: آموزش مبارزه

۱۷۱ اقدام آموزش مبارزه به‌طور سنتی بر مقاومت بدون خشونت در منطقه تمرکز می‌کند که رواج و موفقیت گذشته آن برجسته می‌شود. این، برای سرزمین‌های اشغالی و برای اسرایلی ضروری است. زندگی سربازان غیرخشن مانند خان عبدال جعفرخان به‌عنوان «یافته‌های گاندی»، جنبش مسلم پاتان علیه حکومت بریتانیا در هند (Raj) ضروری است در کتاب‌های مدارس و فیلم‌های مستند گنجانده شود. سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی، باید در ادبیات داخلی مرتبط با اسلام برای فعالیت مقاومت غیرخشن، کتبی تألیف کنند. این عناصر باید بین عرب‌های دنیا اشاعه شود، به‌خصوص در میان فلسطینیانی که در این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند.

اصل سیاسی چهارم: القای منابع برای تعلیم عدم خشونت

جنبش‌های فاقد خشونت اغلب موقعیت شدت گرفتن خشونت و وحشت فراگیر آن را نادیده می‌گیرند. گروه‌هایی که بر حفظ وضعیت موجود تأکید می‌کنند از روی ناچاری به حمایت از بیرون نیاز دارند، به‌ویژه زمانی که این گروه‌ها از راهبرد اساساً متفاوتی دفاع می‌کنند. دولت‌های خارجی، سازمان‌های بین‌المللی، رهبران سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های چندجانبه و میانجی‌گری حکومت محلی و شبکه‌ای از منابع برای فعالیت جنبش‌های بدون خشونت که اسرایلیان و سازمان‌ها و نهادهای مردمی فلسطین درگیر آن هستند، باید به‌طور رسمی شناسایی شود. در حال حاضر تعداد کمی از سازمان‌ها در سرزمین‌های اشغالی آموزش می‌دهند و کارگاه‌هایی برای روش‌های مقاومت بدون خشونت برای فلسطینیان، اسرایلیان و فعالین بین‌المللی اداره می‌کنند. مرکز فلسطینیان برای آشتی مجدد بین مردم، گروه وحدت بین‌المللی، و تیم ایجادکنندگان

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرایلی‌شناسی، سال شانزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۴

صلح مسیحی هستند که این آموزش‌ها را هدایت می‌کنند. اگرچه، تعطیل کردن، حکومت نظامی پست‌های بازرسی و دیگر محدودیت‌ها برای آزادی جنبش‌ها وگردهمایی‌ها، به‌طور جدی فعالیت‌های گروه‌ها را محدود می‌کند، در حالی که توانایی و ظرفیت امدادسانی فعالین نامیدکننده است. آموزش‌ها به‌نحو مطلوبی باید در سمت رام‌الله و بیت‌الحرم و دیگر شهرستان‌ها و روستاها در سرزمین‌های اشغالی گسترش داده شود. این سازمان‌ها که درگیر آموزش می‌شوند، باید بر تلاش‌هایی برای عضوگیری از گروه‌هایی از قبیل سازمان جوانان فتح، تمرکز کنند تا به منظور ایجاد یک بنیان برای جنبش جوانان، اعضا را در سرتاسر کرانه غربی و نوار غزه گسترش دهند.

اصل سیاسی پنجم: فشارهای خارجی بر اسرائیل برای آزادی جنبش و گردهمایی

وضعیت زندان در سرزمین‌های اشغالی و ضعف عملی اسرائیل و فعالین صلح فلسطینی با مانع سخت برای تنظیم ارتباط مبارزات بدون خشونت رو به رو است. تنظیم رویارویی بین اسرائیلیان و فلسطینیان یک بخش ضروری از فرآیند تلطیف کردن «دیگران» و تظاهرات هماهنگ میان فعالیت‌های ملموس در پیوستن به مقاومت است. حکومت‌ها، مخصوصاً حکومت ایالات متحده، باید فشارها را بر حکومت اسرائیل شدت ببخشند تا محدودیت آزادی جنبش‌ها در سرزمین‌ها و در آن سوی خط سبز تحقق یابد.

ایالات متحده باید سعی کند بین میلیون‌ها دلار کمک نظامی سالیانه و کمک‌های خارجی به اسرائیل با مقاومت تعادل ایجاد کند. حداقل، برای اسرائیل و مقاومت و دیگر انجمن گروه‌های مردمی ایده و اصول فعالیت‌های بدون خشونت را منتشر می‌کند. به رهبران جوان فلسطینی باید اجازه داده شود تا از سختی‌های روزانه اشغال خلاص شوند و رهبرانشان مهارت‌های همراهی با دیگران را پرورش دهند. این ابتکار کوچک یک راه طولانی به سمت پایان دادن خشونت‌های دوره‌ای خواهد بود و از زایش جدید رهبران حمایت می‌کند و راهبرد غیرخشن را آموزش می‌دهد.

اصل سیاسی ششم: توسعه یک چارچوب راهبردی

در طول انتفاضه اول مقاومت فلسطینی و حامیانشان در اسرائیل و جامعه بین‌المللی از برنامه‌ای

جامع برای تضعیف سیاست‌های اسرائیل و آمریکا برخوردار نبودند که این، اشغال را تداوم خواهد بخشید. مردم آمریکا و اسرائیل مرکز ثقلی بودند که هرگز به طور موثری به‌عنوان هدف انتخاب نشدند. اهداف سیاسی مرتبط با راهبرد موثری برای دستیابی به این اهداف شکست خورد که دقیقاً قسمت بزرگی از شکست رهبران فلسطینی بودند. رهبران انتفاضه اول در مفصل‌بندی خط‌مشی سیاسی روشن شکست خوردند که باید روش‌های موفق مقاومت را در نتایج ملموس به‌ویژه دولت فلسطینی به‌صورت ساده‌تری بازگو می‌کردند.

۱۷۳

پرتاب کردن سنگ معنای نمادین دارد که در صداها و شعارهایی بیان می‌شود که به‌دنبال بیرون کردن اسرائیلی‌ها از سرزمین‌ها می‌آید، اما شورش‌ها هیچ جزییاتی برای عقب‌نشینی اسرائیل بیان نمی‌کند و آنها ایده روشنی از تعهد سیاسی که آنها خواستار آن هستند، ندارند. این مبهم است که آیا انتفاضه صرفاً عکس‌العمل قدیمی سازمان آزادی‌بخش فلسطین است که به‌دنبال ویران ساختن اسرائیل یا به‌دنبال هم‌زیستی یا شناسایی رسمی دولت یهود آمد. (Teitelbaum and Kostiner, 1991, 310)

ضعف رهبران در انتفاضه اول، شامل اختلاف بین UNC سکولار و عملکرد اسلامی حماس بود که به جدایی روش‌های سیاسی منتج شد. (Dajani 1995, 37)، به علاوه، برنامه‌ها و انتظام انتفاضه ۱۹۸۷ شفافیت کمی داشت. تمرکزگرایی رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین که از سال ۱۹۸۹ شروع شد، تحلیل رفتن سطح مشارکت، نادیده گرفتن رهبران محلی و سرکوب عمومی آفرینش ابتکارات محلی را هدایت می‌کرد.

راهبردهای فراگیر که زیر مبارزات منظم مقاومت بدون خشونت می‌باشد، هم‌اکنون ضروری است تا بررسی جغرافیایشان را گسترش دهند. اقدامات راهبردی بدون خشونت، تقاضاهای سیاسی را با واقعیت مرتبط می‌کند. برای طراحی موضوعات اقدامات مبارزاتی مستقیم، ضروری است جنبش بدون خشونت را به جلو پیش برد. در زیر استراتژی‌هایی که در قلب مقاومت بدون خشونت قرار دارد، مبارزات در مقیاس کوچک باید بر روی تقاضاهای خاص سیاسی تمرکز کنند. این تقاضاها باید انجام شدنی و حامیانی از درون اسرائیل داشته باشد. خاتمه دادن به ساخت دیوار حایل، پایان دادن به تعطیلی و حکومت نظامی تا بچه‌های فلسطینی اجازه حضور در مدرسه یابند، درخواست پایان دادن به تخریب خانه‌ها، توقف منهدم ساختن درخت‌زارهای میوه و زیتون نمونه‌های از تقاضاهای ملموس هستند.

اصل سیاسی هفتم: فعالیت‌های بدون خشونت برای تقویت مذاکرات

مهاتما گاندی، مارتین لوترکین و جامعه‌شناس رابرت جی. برووز بیان می‌کنند که مذاکرات، لازمه دفاع بدون خشونت است: «ایجاد این امکان برای یک رقیب برای عقب‌نشینی از سیاست‌ها و موقعیت‌هایی که بر آن مقاومت می‌کند، نشان از غیرممکن بودن و بی‌حاصل بودن آن است.» (Burrowes, 1996, 219-20) بنیان مذاکرات مکمل عناصری از هر اقدام مستقیم بدون خشونت جنبش است و رفتن به طرف میز مذاکرات هدف بسیاری از مبارزات بدون خشونت است. اصول عینی مقاومت بدون خشونت این است که نیروی مخالف (رقیب) مذاکرات هدفمند را پذیرا شود. در این مقاله نشان داده می‌شود که این اهمیت ارتباط فعالیت مذاکرات بدون خشونت، به طور کامل در انتفاضه اول گم شده است.

اگرچه شورش‌های توده‌ای نقش مهمی در وارد کردن فشار برای گفت و گو بین مقامات اسرائیلی و فلسطینی بازی می‌کنند، در یک سطح بالای گفت و گو که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در مادرید و اسلو شروع شد، رهبری و به‌کارگیری مقاومت قومی در سطح گسترده‌ای نادیده گرفته شد. [فلسطینیان] شانس مذاکرات توأم با اقدامات مقاومتی را از دست دادند. (Andoni, 2001, 212) مبارزات عمومی و راهبرد مذاکرات مقامات فلسطینیان راه‌های مشابهی را دنبال می‌کند. مذاکرات رسمی «مشروعیت مقاومت فلسطینیان به عدم مشروعیت تحریک کردن علیه اسرائیل برمی‌گردد» و تقاضاهای انتفاضه نخست را ناقص می‌گذارد؛ تقاضا برای پایان دادن به اشغال‌گری اسرائیل و استعمار فلسطین، خودمختاری هدفمند برای حقوق بشر، عملی ساختن راه حل‌های سازمان ملل (UN) و قانون بین‌المللی. (Murray, 2001, 333) عرفات از اینکه چگونه فعالیت‌های بدون خشونت می‌تواند موقعیت فلسطینیان در میز مذاکرات را بهبود بخشد، درک کمی داشت و آنچه که در خیابان‌ها اتفاق می‌افتاد را نادیده می‌گرفت و به‌شدت در مذاکرات قدرت ضعیف بود. (Dajani, 1995; Reinhart, 2002) مقاومت بدون خشونت یک جایگزین پذیرفتنی را در جریان انتفاضه ارائه می‌دهد، یک کادر جدید از رهبران محلی که ضروری است تا از نظارت بر حکومت و منفعت هواداران در بخش‌های مختلف سرزمین‌ها دفاع کنند.

اصل سیاسی هشتم: پیوند فعالیت‌های اسرائیلی-فلسطینی

اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها برای اینکه نشان بدهند هر دو طرف خواهان پایان دادن به اشغال هستند، باید با هم به اعتراض بپردازند. هر دو طرف مدعی‌اند که مشروعیت همدیگر را قبول دارند، هر دو طرف آماده هستند تا از ابزارهای رویارویی بهره بگیرند تا جدی گرفته شوند. توسعه اقدامات فعالین بین‌المللی از جمله یهودیان آمریکا، در اقدامات هماهنگ، نافرمانی مدنی و کمک رسانه‌ای به سرزمین‌های اشغالی، عنصر مهمی در جنبش ضد اشغال است که باید گسترش یابد. نقش داوطلبان بین‌المللی در کمک به حمایت از فلسطینیانی که با نیروهای اشغالگر اسرائیلی به نحوه مسالمت‌آمیز روبه‌رو هستند، بسیار موثر است. به علاوه، آنها فلسطینیان را در پست‌های بازرسی همراهی و با آنها در آمبولانس‌ها رانندگی می‌کنند تا از آزار و اذیت دیگر سربازان اسرائیلی جلوگیری کنند.

۱۷۵

سازمان‌های یهودی آمریکا می‌توانند نقش بسیار مهمی در فشار به حکومت آمریکا بازی کنند تا سیاست‌هایش را در ارتباط با حکومت اسرائیل اصلاح کنند و کمک‌ها را مشروط به برداشتن گام‌های ملموس در پایان دادن به اشغال نمایند. کمک بی‌قید و شرط مادی و حمایت سیاسی که حکومت ایالات متحده به آمریکا می‌دهد، به‌طور غیرمستقیم به حفظ اشغال کمک می‌کند و این دور از واقعیت است که انتظار داشته باشیم اسرائیل از سرزمین‌ها بدون اقدام فشار از ایالات متحده و اعضای با نفوذ جامعه یهودیان آمریکا عقب‌نشینی کند. جنبش مردمی ضد اشغال در حال گسترش و سرعت گرفتن در ایالات متحده هستند که به‌وسیله گروه‌هایی از قبیل، تیکان صداها برای صلح همراه با عدالت برای اسرائیل و فلسطین، خاخام برای حقوق بشر، سابیل (Sabeel) بستون برای فلسطین و جنبش متحد بین‌المللی هدایت می‌شود. این گروه‌ها اغلب داوطلبانه هستند و بنابراین نیازهای مالی و حمایت اخلاقی ادامه می‌یابد تا به‌طور موثری در سرزمین‌ها کار کنند و جنبش بدون خشونت را ایجاد کنند.

اصل سیاسی نهم: حضور نگهبانان صلح بین‌المللی برای حمایت از مقاومت بدون خشونت

در پی سطح گسترده فعالیت‌های نظامی اسرائیل در کمپ اردوی پناهندگان جنین (Jenin) در آوریل ۲۰۰۲، دبیرکل سازمان ملل کوفی عنان به دنبال استخدام نیروهای محافظ صلح

چندملیتی در منطقه برای گسترش رزمنده‌هایی است و تا به فروخواباندن تنش بین دو طرف کمک کنند. (Kifner, 2002) حضور محافظان صلح بین‌المللی در ناحیه سرزمین‌های اشغالی نشانه‌نمایی از جامعه بین‌المللی است تا کمیته‌ها به خشونت دوره‌ای پایان دهند و تا سیاست صلح برای ابتکارات صلح به رهبری غیرنظامیان را باز کند. کوفی عنان و نماینده‌اش در منطقه، تراج رود لارسن (Terje-Aoed-Larse) که بر استخدام (به‌کارگیری) محافظان صلح بین‌المللی در منطقه تأکید دارند، به بازداشتن [حملات] انتحاری فلسطینیان / بمب‌های شهادت‌طلبانه و هجوم اسرائیل به سرزمین‌ها کمک می‌کند. این به کاهش خشونت کمک می‌کند، زندگی بی‌گناهان را حفظ می‌کند و به ایجاد فضایی برای ساختن اعتماد و ایجاد صلح رهبری می‌کند. جامعه مدنی و فعالیت گروه‌های حقوق بشر در سرزمین‌ها باید در مبارزات مردمی برای فشار بر سازمان ملل، مخصوصاً پنج عضو دائمی سازمان یابد تا در این میان اقدامات دبیرکل برای به‌کارگیری محافظان صلح دنبال شود. دولت‌های خارجی به‌خصوص، گروه‌های چهار جانبه بین‌المللی، باید در سرپرستی سازمان ملل (UN) از نیروهای حافظ صلح به‌عنوان بخشی از برنامه صلح عمومی در منطقه مشارکت کنند. این یک واقعیت است و تأثیر بالقوه مبارزات برای فعالیت‌های بدون خشونت در اسرائیل فلسطینی به‌خوبی هم‌پای سازمان‌ها در جامعه بین‌الملل است.

نتیجه‌گیری

این مقاله به ارایه تجزیه و تحلیل یک مطالعه موردی می‌پردازد که از فعالیت مستقیم بدون خشونت در نزاع اسرائیل و فلسطین استفاده شده است که طبیعت طولانی و نامتقارنش شرم‌آور است. این مقاله همچنین استدلال می‌کند که راه حل نزاع اسرائیل و فلسطین در هر راهبرد نظامی پیدا نمی‌شود و در تحمیل از بالا در پی مذاکرات در سطح بالا نخواهد بود. فرایند صلح عمومی در خیابان‌های اسرائیل و فلسطین شروع شده و فلسطین شانس بیشتری در تبدیل کردن بن‌بست جریان خشونت دارد، به‌خصوص که اکنون توجهات بین‌المللی در تغییر دادن امکان جنگ با عراق متمرکز شده‌اند. این مقاله همچنین نشان می‌دهد که ویژگی (پارامترهای) همه مذاکرات آینده می‌بایست مبتنی بر اقدامات پایبند به مسئله مقاومت بدون خشونت باشد که توسط کادر

کمیت‌های فلسطینی، اسراییلی و فعالین بین‌المللی عدم خشونت هدایت شود. در این مورد می‌بایست محکم بود و تعهد عمومی به دفاع غیرخشونت‌ی را به‌وسیله رهبران جنبش غیرخشونت‌ی فلسطین گسترش داد، تا آنجا که نشانه‌های واضح و روشنی به اسراییلی‌ها ارسال کند که هم‌زیستی صلح‌آمیز، نه تخریب اسراییل هدف نهایی است. مقاومت بدون خشونت و مذاکرات باید توسط فعالین و مذاکره‌کنندگان درک شود.

هسته موفقیت جنبش بدون خشونت و درگیری غیرنظامی در هر دو طرف خط سبز در جریان انتفاضه اول در اواخر دهه ۱۹۸۰ بود که پراکنده شد. مبارزات غیرخشونت‌ی انتفاضه نخست، به شماری از موفقیت‌ها دست یافت که شامل مشروعیت بخشیدن به انگیزه ملی‌گرایی فلسطینیان و دوران خدمت سربازی در اسراییل بود که سرتاسر جامعه بین‌المللی از آن حمایت می‌کرد. راهبرد تروریسم، از طرفی دیگر، هدف فلسطینیان را تضعیف کرد. تروریسم موجب شد افکار عمومی اسراییل به‌طرز چشم‌گیری تغییر یافت و مسبب انتخاب مجدد حزب لیکود برای رهبری بود که هاوک آریل شارن به‌عنوان نخست‌وزیر اسراییل در ژانویه ۲۰۰۳ انتخاب شد.

ترس، ناامیدی و ناتوانایی مردم عادی اسراییل و فلسطین برای همکاری متقابل در راه‌های هدفمند، یکی دیگر از روش‌های هدایت حمایت عمومی برای راه‌حل‌های نظامی در اسراییل و حمایت‌های گسترده از عملیات انتحاری و شهادت در میان فلسطینیان است. مقاومت غیرخشونت‌ی دوطرف مردم را در اریه راه‌های جایگزین برای ناتوانی و ناامیدی درگیر می‌کند. گذشته از این، برنامه‌های سیاسی با فشار به مذاکرات به جلو می‌رود. فعالین فاقد خشونت اکنون از روی ناچاری، به‌عنوان جامعه‌ای بین‌المللی که می‌تواند اجتماع کنند، به منابع آموزش و عضوگیری مطلوب نیازمندند. چراکه ضروری است راه‌های قدرتمند برای ایجاد صلح واقعی در بسیاری از سرزمین‌های مقدس مورد توجه قرار گیرد.

1. Andoni, Ghassan(2001), *A Comparative Study of Intifada 1987 and Intifada 2000, The New Intifada: Resisting Israel's Apartheid*; Roane Carey (ed.) New York: Verso.
2. Ackerman, Peter and Jack Duvall(2000), *A Force More Powerful*, New York: St. Martin's Press.
3. Ackerman, Peter and Christopher Kruegler(1994), *Strategic Nonviolent Conflict: The Dynamics of People Power in the Twentieth Century*. London: Praeger.
4. Aron, Asaf(2002), "Personal Testimony of an Israeli Refusenik," *Alternet*, <<http://www.alternet.org>>. 28 February.
5. Awad, Mubarak(1984), "Nonviolent Resistance: A Strategy for the Occupied Territories," *Journal of Palestine Studies* 13 Summer.
6. Bar'el, Zvi(2002), "An Arab Parliament that Speaks its Mind." *Ha'aretz*, December 6.
7. B'Tselem Human Rights Report(2003), B'Tselem <<http://www.btselem.org>>.
8. Bond, Doug(1992), "Research Issues and Explanatory Frameworks," *Transforming Struggle: Strategy and the Global Experience of Nonviolent Direct Action*. Cambridge, MA: Harvard University: Program on Nonviolent Sanctions in Conflict and Defense Center for International Affairs.
9. Burton, John W.(ed.)(1990), *Conflict: Human Needs Theory*. London: Macmillan.
10. Burrowes, Robert J. (1996), *The Strategy of Nonviolent Defense: A Gandhian Approach*. Albany: State University of New York Press.
11. Carey, Roane and Jonathan Shoenin(2002), *The Other Israel: Voices of Refusal and Dissent*, New York: The New York Press.
12. Congressional Research Service Report(2003), "Israel: US Foreign Assistance," <<http://www.fas.org/man/crs/IB85066.pdf>>. January 16.
13. Dajani, Souad(1995), *Eyes Without Country: Searching for a Palestinian Strategy of Liberation*, Temple University Press.
14. Elon, Amos(1988), "From the Uprising," *The New York Times*, 17 March.
15. Galtung, Johan(1990), "Cultural Violence," *Journal of Peace Research* 27:3.
16. Kifner, John(2002), "Mideast Turmoil: the United Nations"; Annan Renews Push to Send Peacekeepers," *The New York Times*. (A11), April 19.
17. Kruegler, Christoper(1992), "Why Strategy Matters," *Transforming Struggle: Strategy and the Global Experience of Nonviolent Direct Action*. Cambridge, MA: Harvard University Program on Nonviolent Sanctions in Conflict and Defense Center for International Affairs.
18. Mishal, Shaul and Reuben Aharoni(1994), *Speaking Stones: Communiques from the Intifada Underground*. New York: Syracuse University Press.
19. Murray, Nancy(2001), "Rebuilding Our Activism," *The New Intifada: Resisting Israel's Apartheid*, Roane Carey (ed.) New York: Verso.
20. Program on International Policy Attitudes(2002), "The Potential for a Nonviolent Intifada II," December 9, 26

<<http://www.pipa.org/OnlineReports/IsrPalConflict/NVINT2/NVINT2.pdf>>

21. Reinhart, Tanya(2002), *Israel/Palestine: How to End the War of 1948*, New York: Seven Stories Press.

22. Roed-Larsen, Terje(2002), "Before It's Too Late," *Ha'aretz*, November 17.

23. Rupesinghe, Kumar(1994), "Mediation in Internal Conflicts: Lessons from Sri Lanka," *Resolving International Conflicts*, Jacob Bercovitch (ed.) Boulder: Lynne Rienner Publishers.

24. Schlomka, Fred(2002), "Israeli Activists March from Jerusalem to Bethlehem," Israeli Committee Against House Demolitions <<http://www.icahd.org>>. December 24.

25. Sharp, Gene(1979), *Gandhi as a Political Strategist*, Boston: Porter Sargent.

26. Shikaki, Khalil(2002), "Palestinians Divided," *Foreign Affairs* 81 (January /February).

27. Teitelbaum, Joshua and Joseph Kostiner(1991), *The West Bank and Gaza: the PLO and the Intifada. Revolutions in the Late Twentieth Century*, Jack A. Goldstone, Ted Robert Gurr, and Farrokh Moshiri (eds), Boulder: Westview Press.

28. Wehr, Paul, Heidi Burgess, and Guy Burgess (eds.)(1994), *Justice Without Violence*, Boulder: Lynne Rienner Publishers.